



باطن و روش‌های آن تلاقی دارد. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۶۰)

اشاره

هدف عالی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران با تکیه عمده بر مکتب اسلام و معارف غنی فرهنگ آن، ناظر بر رشد همه جانبه ابعاد شخصیت انسان است و نظام برنامه‌ریزی و اجرایی آموزش و پرورش کشور باید به گونه‌ای باشد که، با توجه به منابع مهم مادی و معنوی جامعه و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و راهبردهای مؤثر و کارآمد، در تربیت نسلی بکوشد که اعتقاد به مبانی دین اسلام، عمل نمودن به احکام و آداب الهی و برخورداری از سجایا و فضایل اخلاقی، سرلوحه همه فعالیت‌ها و سرفصل تمامی رفتارهای فردی و اجتماعی آن نسل قرار گیرد.

بدون تردید تحقق چنین آرمان بلندی، متضمن بسیج امکانات مناسب، عوامل مستعد، شرایط مساعد، روش‌ها و تکنیک‌های مؤثر است تا به واسطه آن‌ها بتوان فاصله بین شعارها و آرمان‌ها را از یک سو و برنامه‌ریزی و اجرا را از سوی دیگر نزدیک و نزدیک‌تر نمود. (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۵۷-۲۵۶) بر همین اساس در ادامه، به بررسی چند روش تربیتی می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: روش‌ها، روش‌های تربیت دینی، تربیت دینی

روش آراستن ظاهر

مربی در برقرار کردن ارتباط تربیتی باید به آراستگی ظاهر بپردازد تا از عوامل ظاهری نفرت و گریز نیز تهی باشد. آراستگی لزوماً مرادف اشرف منشی نیست، بلکه با سادگی نیز می‌توان آراسته بود. ظاهر آراسته آدمی، صفا و آراستگی باطنی را در پی می‌آورد. این جنبه با اصل تأثیر ظاهر بر

روش تزیین کلام

کلام آینه مفاهیم و معانی است. مربی نباید در عرضه معانی خویش، هر واژه‌ای را که زودتر از واژه‌های دیگر به ذهنش دوید به کار گیرد، بلکه باید در پی خلق تعبیرهای بلند باشد. گاه تعبیری به تنهایی به وزن کتابی سخن دارد و اثرش در آدمی پایدار و پر دوام است. (همان: ۱۶۱)

روش تربیتی عفو

عفو در متون اسلامی عبارت است از فرانگری به بافت رنجش، ملاحظه محدودیت‌های فردی و نوعی انسان‌ها، و با توجه به آن‌ها، رفتار خاطی را معنا دادن و تفسیر نمودن و خود را فردی از نوع انسان ممکن الخطا دیدن، که در شرایطی ممکن است به گذشت و احساس همدردی با خاطی و گذشت از اشتباه او نیاز داشته باشد، که با انگیزه آرامش روانی، بهبود روابط با خاطی و رشد و پرورش او یا جلب رضایت خداوند صورت می‌گیرد. (به نقل از اسماعیلی‌ایولی، ۱۳۸۸)

عفو و اغماض در صورتی ارزشمند است و مصداق می‌یابد که انسان قدرت انتقام داشته باشد. در غیر این صورت، سکوت انسان نه از مصادیق عفو، بلکه از مصادیق کظم غیظ خواهد بود و کظم غیظ، در صورتی که انسان از روی ناچاری سکوت کند، منجر به حقد و کینه و باعث سوءظن، حسد، غیبت و تهمت می‌شود. (همان)

خداوند اولین مربی است که با بخشودن اولین متریبان خویش، یعنی آدم و حوا، «عفو» نامیده شد و از این رو، عفو و گذشت در مقام تربیت، قدمتی همسان با خلقت انسان دارد. امام سجاد (ع) این نکته را می‌آموزند که عفو نقطه امید همه



روش‌های تربیت دینی

بخش دوم

هاجریه — ادران

زه — وسعادت مند

انسان‌های خطاکار در طول تاریخ بوده است و جریان تکامل و تربیت نفس انسانی تنها در گرو گذشت خداوند از گناهان فرد و انسان‌ها نسبت به یکدیگر است. (همان)

بخشیدن، علاوه بر ترسیم روابط بین افراد و کاهش تنش‌های اجتماعی، در تأمین سلامت روانی، کاهش اضطراب و افسردگی، عصبانیت و پرخاشگری، اختلالات عاطفی و رفتاری، افزایش اعتماد به نفس و پیشرفت تحصیلی فرزندان بسیار مؤثر و کارآمد است و موجب پایین آمدن فشارهای روحی می‌شود.

مربی در عمل باید توجه نماید که با عفو می‌تواند سبب ندامت و پشیمانی متربی گردد، ضمن اینکه پس از عفو هیچ منتهی بر او نگذارد تا عزت نفس او زایل نگردد و کینهٔ مربی را در دل نگیرد و به گمراهی و تکرار خطاهای او منجر نشود.

به‌طور خلاصه از روش عفو در سه صورت می‌توان برای اصلاح افراد استفاده نمود: ۱. خطاکار از کارش پشیمان شده است و تصمیم به تکرار ندارد. ۲. شخص خطاکار انسان آبرومندی است که از روی جهالت کار ناشایستی انجام داده است. ۳. خطاکار دارای فطرتی پاک است و احتمال می‌دهیم که اگر مورد عفو قرار گیرد، وجدان اخلاقی او بیدار می‌گردد. (اسماعیلی ایوبی، ۱۳۸۸)

روش مبالغه در عفو

اصل فضل و رحمت مانع آن است که فرد به محض ارتکاب اولین خطا مورد مؤاخذه و مجازات قرار بگیرد، بلکه به موجب آن لازم است مربی ابتدا عفو کند و حتی در این عفو مبالغه ورزد. طبق این روش مربی موارد فراوانی از خطاها و لغزش‌های متربی را نادیده می‌گیرد. (باقری، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

روش مبالغه در پاداش

اصل فضل و رحمت ایجاب می‌کند که اگر از متربی عمل مطلوبی سرزند، مربی آن را بی‌پاسخ نگذارد. بلکه طبق این اصل لازم است پاداش از حد عدالت بگذرد و مظهر فضل و رحمت باشد. پاداش در این روش به این گونه از حد عدالت درمی‌گذرد

که در آن، بهترین اعمال فرد معیار قرار می‌گیرد، نه اعمال خوب او (همان: ۱۷۱).

روش مجازات به قدر خطا

طبق این روش مجازات و میزان و نحوهٔ آن، باید تابع خطای متربی باشد و عوامل دیگری چون وضع و حال مربی در حین مجازات، آن را تحت تأثیر قرار ندهد. ممکن است مربی، مجازات را تابع میزان غیظ خود قرار دهد، اما اصل عدل، مانع از آن است که این گونه عوامل در مجازات دخالت ورزد. (همان: ۱۸۹)

روش موعظهٔ حسنه

از جمله روش‌هایی که خدای رحمان برای تربیت آدمیان به آن سفارش کرده روش موعظه است؛ چنان‌که پیامبر گرامی‌اش را فرمان می‌دهد که مردمان را با موعظه‌ای نیکو به دین و راه خدا بخواند: « اَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ... »، یعنی با حکمت و موعظهٔ نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. (النحل/۱۲۵) موعظهٔ نیکو موعظه‌ای است که واعظی راه یافته، به روشی نیکو از آن برای اصلاح و هدایت بهره می‌گیرد و بی‌گمان چنین موعظه‌ای روشی مؤثر در تربیت است (دلشادتهرانی، ۱۳۸۷: ۲۹۳).

موعظه به مربی کمک می‌کند تا در ساختار شخصیتی متربی نفوذ کند و وی را از راه آگاه کردن و توجه دادن، به مسیر صحیح هدایت نماید. (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۹۴). این ابزار آموزشی و تربیتی، در سیرهٔ ائمه علیهم‌السلام بسیار مورد استفاده بوده است.

برخی از آن بزرگواران، از جمله امام علی علیه‌السلام، امام حسن علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام، با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، از این روش بهره بردند. از ویژگی‌های منحصر به فرد این روش این است که موضوعات، افراد، گروه خاص، شرایط سنی و زمان و مکان خاصی در آن لحاظ نمی‌شود. (یاوری، ۱۳۸۸)

روش عبرت‌آموزی

از جمله روش‌های تربیتی قرآن کریم و پیشوایان معصوم روش عبرت است که با نظر به دگرگونی‌های زندگی، حوادث و تحولات تاریخی، احوال



امت‌ها، حیات و مرگ تمدن‌ها، عظمت و انحطاط دولت‌ها، سرنوشت و فرجام قدرتمندان و بیدادگران و همانند این‌ها شکل می‌گیرد؛ و هر کس را که اهل دیدن و اندیشیدن و دریافتن است راه می‌نماید و از بدی به نیکی و از تاریکی به روشنایی سیر می‌دهد. (دلشادتهرانی، ۱۳۸۷: ۲۸۳) «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ»، یعنی پس ای اهل بصیرت، عبرت بگیرید (الحشر/۲).

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «کسی که عبرت‌ها برایش آشکار شود و از کیفرها و سرانجام وخیم آن‌ها، که پیش چشم اوست، پند پذیرد، البته تقوا او را از سرنگون شدن در شبهه‌ها باز می‌دارد.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶).

قرآن در این مورد زبان قصه را مورد استفاده قرار می‌دهد تا بر نفوذ و جاذبه آن بیفزاید. اما چون مقصود قرآن از قصه‌گویی موعظه و عبرت‌آموزی است، از داستان‌سرایی چشم پوشیده و هرگز به بیان همه امور ریز و درشت قصه نپرداخته است. به همین سبب قصه‌گویی در قرآن، همواره با ارزیابی و به‌دست دادن رهنمودهایی برای عمل همراه است تا خصیصه موعظه بودن آن را مورد نظر قرار دهد. (باقری، ۱۳۸۶: ۲۱۸-۲۱۷)

روش تغافل

آن‌گاه که راه‌های توجیه مربی بسته شود و برای او یقین حاصل گردد که مرتبی خطا کرده است، زمان تغافل فرا می‌رسد. در این هنگام، عزت مرتبی باید با تغافل خطای او حفظ شود. (همان: ۱۹۹-۱۹۷)

اگر از مرتبی پرده‌داری شود، به نحوی که آبرو و حیثیت اجتماعی‌اش خدشه‌دار گردد، این خود نوعی تشویق به خطاکاری و گرایش به گمراهی است. وقتی نگرش مثبت نسبت به مرتبی نباشد، وی از انجام کارهای ناپسند به‌صورت علنی ابایی نخواهد داشت.

این نحوه چشم‌پوشی که ناشی از عقل و مصلحت و هماهنگی با اخلاق است از صفات حمیده است و می‌توان آن را از مکارم اخلاق به‌شمار آورد.

البته گاهی نیز تغافل نسبت به دیگران برای تربیت و از روی حسن نیت نیست، بلکه هوای نفس و اندیشه‌های پلید محرک تغافل‌کننده است. از جمله:

۱. تغافل شخص حسود: حسود در کارهای بد محسود تغافل می‌کند و قصدش این است که هرچه بیشتر به روش نادرست ادامه دهد تا بین مردم مفتضح شود و آبرویش برود.

۲. تغافل انسان سودجو: تغافل او از گناه دیگران به مصلحت تغافل‌شونده نیست، بلکه نفع شخصی خود را در آن می‌بیند.

۳. تغافل فرد جاه‌طلب: انسان جاه‌طلب از اخلاق ناپسند دیگران تغافل می‌کند و از زشتی‌های کار آنان سخن نمی‌گوید تا اینکه انتقادش موجب آزدگی افراد از او نشود. (اسماعیلی ایولی، ۱۳۸۸)

روش تشویق و تنبیه

هیچ چیز مانند تشویق صحیح و به‌جا و به‌اندازه، انسان را به تلاش و درست‌کاری بر نمی‌انگیزد، زیرا فطرتش سرشار از عشق به کمال مطلق، انزجار از نقص و میل به نیکی، تشویق و قدردانی است.

تشویق زمانی نتیجه‌بخش است که براساس آدابی درست اعمال شود، از جمله:

۱. تشویق به عمل و صفت نیک شخص تعلق بگیرد.

۲. باید به‌جا و به‌مورد و متناسب با میزان و نوع عمل باشد و روحیه شخص در انتخاب شکل آن ملاحظه گردد.

۳. تشویق باید به‌موقع انجام گیرد تا تأثیر مشخص و مثبتی داشته باشد.

۴. تشویق باید به‌اندازه باشد و به‌هیچ وجه از حد تجاوز ننماید.

۵. تشویق وسیله برانگیختن است و نباید خود به‌صورت هدف درآید و تمام ذهن و فکر شخص را به خود مشغول سازد که در این صورت نقش بازدارنده پیدامی‌کند.

نتایج تربیتی تشویق

۱. خداوند متعال در نظام تشریح به مصداق صفت بارز رحمانیت و فیاض بودن خود پیش از خشم و غضب باب تشویق و ترغیب را گشوده است تا از این راه دل‌ها به‌سوی او خاشع و خاضع شوند.

۲. فطرت انسان ذاتاً گرایش به تشویق دارد. از این‌رو در تربیت اخلاقی برقراری نظام تشویق همواره توفیقات بیشتری را به دنبال دارد.

۳. روش تشویق در مواضع مختلف امور فردی و اجتماعی موجب کارسازی فراوانی می‌گردد.

۴. تشویق موجب جبران کمبودها و حقارت عاطفی و اجتماعی می‌شود. (حاجی بابائیان امیری، ۱۳۸۸: ۲۸۸)

همچنین انسان پیوسته در معرض اشتباه و خطا، انحراف و گناه و شر و فساد است. نفس سرکش آدمی، مادام که مهار نشده است، انسان را به

نافرمانی خدا می‌کشاند و در وادی هوا و هوس‌ها به انواع تباهی‌ها مبتلا می‌سازد.

تنبیه درست و طبق آداب، روشی است مناسب برای بیدار کردن و هشیار ساختن و ادب کردن آدمی و جدا نمودن او از بدی و کجی و اگر در این کار اهمال شود و درخت تباهی در وجود آدمی تناور گردد، قطع ریشه‌های آن بسیار دشوار و ناممکن می‌شود و انسان را به هلاکت می‌رساند.

البته این حقیقت را نباید از یاد برد که تنبیه و مجازات اصالت ندارد و آنچه اصل است رحمت و محبت و گذشت و بخشش است و هیچ چیز چون ملایمت و مدارا در تربیت آدمی مؤثر نیست (دلشادتهرانی، ۱۳۸۷: ۳۵۸-۳۵۷). حضرت علی (علیه السلام) در این خصوص می‌فرماید: «اَضْرِبْ خَادِمَكَ إِذَا عَصَى اللَّهَ وَ اغْفُ عُنْهُ إِذَا عَصَاكَ»: اگر خادم‌ت خدا را نافرمانی کرد او را تنبیه کن، اگر شخص‌ت را نافرمانی کرد، او را ببخش. (دلشادتهرانی، ۱۳۷۹)

امر به معروف و نهی از منکر

از جمله روش‌هایی که در اسلام برای تشویق و ترغیب افراد به انجام امور به کار رفته امر به معروف است، که عبارت از طلب و درخواست انجام امور خیر و نیک است، در اسلام بیش از موعظه و نصیحت و حتی وصیت مورد تأکید قرار گرفته و جزء واجبات است. امر به معروف تنها با گفتار، عملی نمی‌شود و لازم است با عمل توأم گردد.

به‌وسیله عمل یعنی اینکه فرد عامل به کار خیر باشد تا مردم به او اقتدا کنند و او را سرمشق قرار دهند. وقتی عمل و زبان هر دو در امر به معروف شرکت داشته باشند و آنچه که فرد می‌گوید خودش به آن عمل کند آن‌گاه در شنونده تأثیر فراوان خواهد گذارد.

امر به معروف به «قول معروف» نیز تعبیر شده است و بیانگر این موضوع است که امر به معروف تحکم نیست بلکه گفتار نیکی است که بر دل می‌نشیند.

نهی از منکر نیز یک روش تربیتی برای جلوگیری فرد از سقوط و افتادن در مهلکه‌هاست. (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۵) اهمیت این روش به آن اندازه است که در قرآن خداوند را ناهی از منکر و جلوگیری از بدی‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ يُنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (النحل/۹۰).

روش عقلانی در تربیت اسلامی

دین اسلام و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مسلمانان را به تعقل

و اندیشیدن در امور دعوت کرده‌اند و افرادی را که نسبت به این عوامل بی‌تفاوت‌اند مذمت می‌کنند و همواره از اموری که قدرت، تفکر و تعقل انسان را سست و زایل می‌سازد نهی فرموده و آن‌ها را از پیروی هوای نفسانی برحذر داشته‌اند، زیرا این کشمکش‌های نفسانی توازن عقل را برهم می‌زند و عقل را هم در حیطة نظر و اندیشه و هم در حیطة عمل و کردار به خطا می‌رانند.

از ثمرات روش عقلانی در تربیت دینی، تجربه‌اندوزی و عبرت‌گیری و در نتیجه راهیابی درست زندگی است. بنابراین از عقل می‌توان به مثابه مشاوره امین و قابل اعتماد در امور استفاده کرد و با توجه به سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) دشمنان عقل را این‌گونه نام برد:

۱. هوا و هوس، ۲. خودبینی و خودخواهی، ۳. آرزوهای دنیایی و دلیستگی‌های واهی، ۴. طمع. همچنین برای تقویت عقل و استفاده از این روش تربیتی، در قرآن و احادیث راه‌هایی معرفی شده است که مربی در جهت تربیت متربی باید این راه‌ها را برای وی هموار سازد. عمده‌ترین این راه‌ها عبارت‌اند از: ۱. تفکر، ۲. تدبیر (اندیشیدن در فرجام امور)، ۳. کنجکاوی و سؤال، ۴. معاشرت و درک محضر علما و حکما، ۵. بهره‌گیری از تجربیات دیگران. (فرج‌بخش، ۱۳۸۸)

منابع

قرآن کریم
نهج‌البلاغه

مفاتیح‌الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی

احمدی، س: اصول و روش‌های تربیت در اسلام، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ پنجم، اصفهان، ۱۳۸۴.

اسماعیلی ابولی ع: «روش‌های تربیتی در سیره امام سجاد (ع)»، فصل‌نامه معرفت (ویژه علوم تربیتی)، ۱۴۱، سال هجدهم، ۱۳۸۸.

باقری، خسرو: نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم، انتشارات مدرسه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.

حاجی بابائیان امیری م: روش‌های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام (با تأکید بر دوره نوجوانی و جوانی)، انتشارات صداوسیما (سروش)، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۸.

داوودی م: سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، جلد دوم، تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ ششم، قم، ۱۳۸۹.

دلشادتهرانی م: ماه مهرپرور، تربیت در نهج‌البلاغه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دریا، ۶۱۰ صفحه، ۱۳۷۹.

-----: سیری در تربیت اسلامی، چاپ دهم، تهران: انتشارات دریا، ۳۸۴ صفحه، ۱۳۸۷.

-----: مشرب مهر، روش‌های تربیت در نهج‌البلاغه، چاپ سوم، تهران: انتشارات دریا، ۲۲۴، ۱۳۸۷.

فرج‌بخش ف: «روش‌های عقلانی در تربیت دینی از دیدگاه نهج‌البلاغه»، فصل‌نامه قرآنی کوثر، ۱۳۸۸.

یاوری م ج: «تعلیم و تربیت دینی در سیره ائمه اطهار»، همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۱-۷ آبان، ۱۳۸۸.